

## زندگی ، کار و تولید در شرایط پادگانی

هوشنگ

در پی شکایات بی شمار کارگران کارخانه بیسکویت سازی ویتانا از دایره مدیریت این شرکت به وزارت کار مبنی بر اخراج های بی رویه و بی دلیل ، تاخیرهای چند ماهه در پرداخت دستمزدها و پایمال کردن حقوق کارگران بطور گسترده در تیرماه سال جاری، وزارت کار اقدام به برگزاری انتخابات جهت تشکیل انجمن صنفی در این کارخانه نمود. این انتخابات با شرکت تمامی پرسنل و کارگران کارخانه در محل شرکت برگزار شد. ظاهرا وزارت کار قصد داشت از طریق تشکیل این انجمن آمار شکایات را کمتر کرده و از تجمع کارگران در مقابل اداره کار و مراجعات مکرر کارگران به اداره کار بکاهد.

انتخابات با حضور نماینده وزارت کار در شرایطی بسیار متشنج و ملتهب برگزار شد. تلاش مدیران برای منحرف ساختن این انتخابات و دستیابی به نتایج مطلوب خود از آن صورت می گرفت. در ابتدا با بهانه گیری و سنگ اندازی سعی داشتند از برگزاری این انتخابات جلوگیری کنند. سپس با ایجاد جو پلیسی و رعب و وحشت تلاش کردند که افراد مورد نظر خود را به عنوان اعضای انتخابی انجمن صنفی کارخانه به کارگران تحمیل کنند که با مقاومت کارگران مواجه شدند ، به طوری که کارگران از رای دادن به کاندیداهای پیشنهادی مدیر عامل سر باز زدند. در ادامه به انحاء مختلف اقدام به برهم زدن جو و همچنین تهدید مستقیم و غیرمستقیم کارگران کردند، تا آنجا که به سبک شعبان بی مخ نعره تهدید سر دادند. در همین حین از تطمیع نماینده وزارت کار دریغ نورزیدند که نماینده وزارت کار نپذیرفت و این شخص اصرار در برگزاری یک انتخابات سالم برای تشکیل انجمن صنفی کارخانه را داشت. در نهایت با توجه به همه عریبه جویی ها، تهدیدها ، تطمیع ها و دسایس مختلف، کارگران نمایندگان واقعی خود را از بین کارگران قدیمی ، با تجربه و دلسوز انتخاب کردند و انجمن صنفی کارخانه تشکیل و از جانب وزارت کار به رسمیت شناخته شد. اما از این لحظه به بعد جو امنیتی و پلیسی شدیدی بر سراسر محیط و فضای کارخانه حاکم شد. از جمله بطور انفرادی کارگران را به اطاق مدیر می بردند و تهدید به اخراج

می کردند. از برخی امضاء می گرفتند مبنی بر این که انتخابات را مردود اعلام کنند. ترس و وحشت از اخراج و تنبیه، به بدترین شکل آن در محیط کار حاکم شد.

در نهایت تعهدات کارفرما و وزارت کار در مقابل این انجمن به فراموشی سپرده شد و کارگران نیز موفق به فعال سازی آن نشدند و از پیگیری شکایات خود از این طریق باز ماندند و این واقعیت باز هم به اثبات رسید که کارگران تنها از طریق تشکل های مستقل و خود ساخته موفق به کسب حقوق صنفی و طبقاتی خود می شوند و از تشکل های فرمایشی و دولتی کاری بر نمی آید.

اما برآستی در کارخانه بیسکویت سازی ویتانا چه می گذرد و شرایط زندگی و کار در آن چگونه است که وزارت کار هم از انبوه شکایات کارگران از مدیران نظامی این کارخانه به تنگ آمده است؟ شناخت از شرایط امروز مبارزات کارگران این شرکت که کاملاً به صورت پادگانی اداره می شود نمونه ی بارزی است که می تواند به کارگران در پی گیری حقوق صنفی \_ طبقاتی خود کمک کند.

کارخانه ویتانا تعداد قابل توجهی کارگران قدیمی ، با سابقه و به قولی رسمی دارد که مدیرعامل این شرکت بیشترین تضاد و دشمنی را با این گروه دارد و در مقابل نیز بیشترین شکایات از جانب این گروه از مدیر عامل و قوانین حاکم بر این کارخانه صورت گرفته است. بر خورد کارفرما با این گروه از کارگران بسیار رذیلانه و خلاف قوانین انسانی و مدنی است. به این شکل که کارفرما به بهانه های واهی از ادامه همکاری با این دسته از کارگران سر باز می زند و این کارگران مجبور به شکایت به وزارت کار می شوند و طبق قانون و رای وزارت کار کارفرما مجبور می شود این دسته از کارگران را به سر کار خود باز گرداند.

در بازگشت کارفرما، اجازه کار کردن به این کارگران را داده نمی شود و آن ها را مجبور می کنند برای روزها و ماه ها، تمامی ساعات کار را در گوشه ای از محوطه علاف و سر در گم سر کنند. این گروه حق ندارند با هیچ کارگر یا فردی از پرسنل شرکت تماس بگیرند. حق دستشویی رفتن بدون اجازه و بدون نگهبان همراه را ندارند و دقیقاً "همچون زندانی و کاملاً تحت نظر هر روز کاری را سپری می کنند و همواره در یک جنگ روانی و تحقیر آمیز قرار می گیرند. برای این کارگران از حقوق و تسهیلات هم خبری نیست. در نتیجه شب ها مجبور به کار در مراکز دیگر هستند و به موجوداتی روانی و افسرده و ناهنجار برای خانواده تبدیل شده اند. کارفرما در مقابل این اعمال ضدانسانی و قرون وسطایی خود در مقابل هیچ مسنول و هیچ قانونی پاسخگو نیست. کارگری را روی یک صندلی در قسمت اداری می نشاندند و هر روز باید از صبح تا پایان ساعت کار همان جا بنشینند و حق تماس با هیچ کس را نداشته و

حق اعتراض هم ندارد بلکه با گذشت روز ها به موجودی سر بار تبدیل شده خسته و درمانده اعلام عجز نموده و خود را مجبور به استعفاء ببیند.

بهره کشی از کارگران با قراردادهای زیر یک سال نیز به بدترین شکل ممکن صورت می گیرد. این دسته از کارگران پس از چند ماه کار بدون دریافت حقوق و مزایا به صورت پیمانی در شیفت شب هم بصورت روزمزد به خدمت گرفته می شوند که حقوق این قسمت از کار شبانه هم با تاخیرهای طولانی پرداخت می شود. بطوری که کارگر در طول ۶ ماه شبانه روز به اندازه یکسال کاری کند بدون هیچ گونه دریافتی از حقوق. و در طول ماه قادر نیست زن و فرزند خود را ببیند. اکثر این کارگران در اثر کار طاقت فرسای شبانه روزی به موجوداتی نحیف و بیمار و افسرده تبدیل شده اند و در مقابل با ابراز کمترین اعتراضی اخراج می شوند. کارگران قراردادی همواره فشار روانی پایان قرارداد یک ساله و احتمال عدم تمدید قرارداد و بیکاری را به دوش می کشند.

این که کارفرما همواره در تلاش است که کارگران رسمی و قدیمی را اخراج کرده قرارداد های زیر یک ساله و سپید امضاء را به کارگران تحمیل کنند بدون شک در راستای زمینه سازی برای جذب سرمایه های خارجی و نیز بخش خصوصی می باشد که نیازمند وجود نیروی کار ارزان و مطیع می باشد. و به همین دلیل کارگران این نوع قرارداد ها را بدرستی "یوغ بردگی" می نامند.

کارگران در کارخانه ویتانا در بردگی مطلق، از برخورداری از یک ساعت مشخص غذا خوری و داشتن یک سالن یا محلی برای صرف غذا محرومند. کارگر در وضعیتی کاملاً غیر بهداشتی و در حین کار و تولید، روی زمین و در وضعیتی کاملاً نامناسب و به دور از کرامت انسانی غذای خود را صرف کند. کارگران این کارخانه از هیچ گونه تسهیلات غیر نقدی برخوردار نیستند و زمانی که مدیر عامل از سر لطف بسته ای از محصول را به کارگران می دهد یا تاریخ مصرف گذشته است یا در حال انقضاء، به طور کلی محصولی که قابل عرضه به بازار نیست.

در این کارخانه تقریباً "بیش از پنجاه کارگر زن مشغول به کار هستند. بهره کشی و رفتار ضد انسانی با این قشر کارگر در این شرکت نیز به صورتی آشکار اعمال می شود. از کارگران زن تعهد گرفته می شود که نسبت به عدم پرداخت به موقع حقوق هیچ گونه اعتراضی نداشته باشند. کارگران زن بدون سرویس و بدون امکاناتی از قبیل مهد کودک برای فرزندانشان و همچنین رفت و آمد در تاریکی شب در یک منطقه ناامن مجبور به کار در این کارخانه هستند. کارگران زن در شیفت عصر به اجبار کار می کنند و بعد از ساعت یازده شب بدون سرویس در تاریکی شب به منزل باز می گردند.

زنان کارگر و سرپرست خانوار بیشترین لطمه ها را از مناسبات و مقررات بهره کشی و پادگانی تحمل می کنند. بدون شک زنان کارگر به دلایل متعدد از محرومترین افراد جامعه هستند و مقررات موجود زندگی آنان و خانواده هایشان را با چالش های جدی روبرو می سازد. مشکلات و رویدادهای دردناک در زندگی زنان کارگر بسیار گسترده و درپاره ای زمینه ها از مردان کارگر بیشتر است. این تفاوت در میزان حقوق و مزایا، طبقه بندی مشاغل، موضوع ارتقاء شغلی و مهارت های حرفه ای به خوبی آشکار می شود.

پسرفت کارخانه از نظر فنی و تکنولوژی نیز همواره تاثیر خود را بر زندگی کارگران داشته و کار را بسیار مشکل تر و خطرناک می کند. بحران حاد در صنایع و کاهش ظرفیت تولید اغلب واحدهای صنعتی، مقوله حوادث در حین کار و همچنین تامین امنیت شغلی را به امری حیاتی برای کارگران بدل ساخته است. کارخانه ویتانا نیز از این وضعیت ضد کارگری مستثنی نیست. دستگاه ها و تکنولوژی قدیمی باعث فشار شدید بر کارگران شاغل و تهدید بیکاری کارگران تحت عنوان تعدیل نیرو به دلیل فرسودگی ماشین آلات، کارگران را در شرایط مداوم بحرانی و وخیم قرار می دهد.

وضعیت کار و زندگی در این کارخانه شرایطی است که بر تمامی موسسات و مراکز تولید حاکم است و طبقه کارگر با آگاهی از این شرایط دردناک، لزوم احیای حقوق صنفی \_ طبقاتی و ایجاد تشکل های مستقل کارگری را بیش از پیش در می یابد. در اوضاع کنونی تمامی مقررات و مناسبات حاکم در مراکز کارگری کاملاً حقوق و منافع کارگران را از بنیاد تخریب کرده و می کند و این مقررات و جو پادگانی در خدمت جنگ دائمی سرمایه داری علیه طبقه کارگر است که فقط از ضعف تشکل های کارگری و نبود اتحاد در طبقه کارگر استفاده می کند. فقط و فقط با اتحاد طبقه کارگر و در چارچوب تشکل های مستقل کارگری می توان منافع صنفی \_ طبقاتی کارگران را تامین کرد.